

برنامه‌ریزی در ایران

موفقیت‌ها، شکست‌ها

راهبردهای بهبود عملکرد

نویسنده:

دکتر فرهاد درپسند

دانشیار اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

سرشناسه	دژپسند، فرهاد، ۱۳۴۱.
عنوان و پدیدآور	برنامه‌ریزی در ایران؛ موفقیت‌ها، شکست‌ها و راهبردهای بهبود عملکرد/ نویسنده فرهاد دژپسند
مشخصات نشر	تهران: نشر نور علم، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۵۹۲ ص: جدول، نمودار.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۵۹۴-۰
یادداشت	کتابنامه
موضوع	برنامه‌ریزی راهبردی — ایران — تاریخ Strategic planning -- Iran -- History برنامه‌ریزی — ایران — تاریخ Planning -- Iran -- History توسعه پایدار — ایران — برنامه‌ریزی Sustainable development -- Iran -- Planning بودجه برنامه‌ای — ایران Program budgeting -- Iran ایران — اوضاع اقتصادی — تاریخ. Iran -- Economic conditions -- History
رده‌بندی کنگره	HD ۳۰/۲۸
رده‌بندی دیویی	۵۶۸/۴۰۱۲
ش کتابشناسی ملی	۹۴۸۶۳۴۹

نشر نور علم و بخش قلم سینا: تهران انقلاب ۱۲ فروردین ۱۴۰۲، تلفن ۶۶۴۰۵۸۸۰ و ۶۶۹۵۷۰۲۱

۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹-۰۹۱۲۲۰۲۹۸۴۹-۰۹۱۲۳۴۶۳۸۱۱

وبسایت <https://www.modiranketab.ir> بیج اینستاگرام - @modiranketab

برنامه‌ریزی در ایران؛ موفقیت‌ها، شکست‌ها و راهبردهای بهبود عملکرد

نویسنده: دکتر فرهاد دژپسند

ناشر: نور علم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۵۹۴-۰

طراح جلد و صفحه‌آرا: فاطمه خانی

چاپ و صحافی: سورنا

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

قیمت: ۴۳۰۰۰۰ تومان

از طریق تماس با ۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹ کتاب‌ها به تمام نقاط ایران ارسال می‌شود.

سخن آغازین

بررسی علل موفقیت‌ها و شکست‌های برنامه‌های میان‌مدت در ایران از سال‌ها قبل دغدغه ذهنی اینجانب بود، تا این‌که جمعی از دوستان در قالب یک طرح پژوهشی^۱ متکفل بازنگری و اصلاح قانون برنامه و بودجه کشور، مصوب ۱۳۵۱، شدند، و متعاقب آن، مسئولیت پروژه بازنگری و اصلاح نظام برنامه‌ریزی، را به عهده اینجانب گذاشتند. در زمان اجرای آن پروژه پژوهشی، و همچنین بعد از اجرای طرح پژوهشی‌ای در زمینه آسیب‌شناسی نحوه تدوین برنامه‌های پنج‌ساله با رویکرد دست‌یابی به سیاست‌های کلی، طراحی الگوی مناسب در تدوین آن‌ها، با کارفرمایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، بیش‌ازپیش ضرورت بررسی جامع علل موفقیت‌ها و شکست‌های برنامه‌ریزی در ایران بر من آشکار شد، و با توجه به تجربه طولانی‌ای که در تهیه و تدوین، و یا برخی مواقع در فرایند بررسی و تصویب، اغلب برنامه‌های توسعه نصیب اینجانب شده بود، تلاش شد، کتابی برای تحلیل و ارزیابی تحولات برنامه‌ریزی در ایران به رشته تحریر درآید، ولی هربار با بروز مشکلی، کار متوقف می‌شد، تا اینکه پس از نهایی شدن قانون برنامه ششم توسعه در مجلس شورای اسلامی،^۲ و ملاحظه عمق مشکلات در فرایند بررسی پیش‌نویس لایحه در هیأت وزیران و بررسی لایحه در مجلس شورای اسلامی، عزم جزم شکل گرفت، که با اهتمام جدی تر به این مهم اقدام شود، این بار، باز هم در میانه راه، اشتغال در موقعیت وزیر امور اقتصادی و دارایی اینچار، کار ادامه نوشتن کتاب، متوقف شد، ولی مشاهده نحوه ارزیابی‌های سیاست زده و غیرحرفه‌ای برخی‌ها نسبت به عملکرد برنامه ششم توسعه، که در سال‌های پایانی آن برنامه اتفاق می‌افتاد، و نیز فراغت از اشتغالات اجرایی، فرصت، غنیمت شمرده شد و دوباره کار نیمه‌تمام نوشتن کتاب، در دستور قرار گرفت تا این بار توفیق، رفیق راه پرمشقت اتمام کتاب شود، تا با لطف بی‌کران خداوندگار قلم، گام نهایی برای ارائه خدمتی هرچند کم به جویندگان توسعه ایران برداشته شود.

^۱ طرح پژوهشی بازنگری و اصلاح قانون برنامه و بودجه کشور، با سفارش هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی و کارفرمایی دیوان محاسبات کشور در زمان مدیریت جناب آقای دکتر رحمانی فضلی به اجرا درآمد.

^۲ در آن زمان پست اداری اینجانب معاون امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه سازمان برنامه و بودجه بود، که به اقتضای مسئولیتی که برعهده‌ام بود، دبیری ستاد برنامه ششم توسعه نیز توسط جناب آقای دکتر نوبخت، رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه به اینجانب واگذار شده بود، و به همین دلیل وظیفه دفاع از پیش‌نویس لایحه در جلسات هیأت وزیران و نیز دفاع از لایحه در مجلس شورای اسلامی، در غیاب ایشان، به عهده اینجانب بود، بدین‌رو به اقتضای وظایفی که به عهده اینجانب بود، بخش شایان توجهی از مشکلات مربوط به فرایند بررسی برنامه به اینجانب منتقل شد.

در اینجا، ضروری است از بابت لم یشکرالمخلوق، لم یشکرالخالق، از همه دوستان عزیز و فرهیخته‌ای که به انحای مختلف در تحقق این تمایل طولانی، مشوق و محرک کار بودند، به خصوص دوستانی که در تجهیز آمار و اطلاعات بر اینجانب منت گذاشته و همکاری‌های خوبی داشتند، و نیز عزیزانی که در مطالعه نسخه صفر قبول زحمت کردند، و نکات درخور توجهی ارائه کردند (که به دلایلی ذکر نام تک‌تک آن عزیزان در این شرایط روا نیست) بالاخص، جناب آقای محمد سالاری شهری، دانش‌آموخته عزیز کارشناسی ارشد دانشکده، که در تکمیل آمارها و تدوین جداول زحمت زیادی را متقبل شدند، و همچنین از ناشر محترم سپاس ویژه‌ای به عمل آید.

البته باید اضافه شود که به‌رغم بهره‌مندی از همکاری‌ها و نظرگاه‌های دوستان متعدد، مسئولیت هرگونه کاستی در تحلیل و یا در قلم متوجه اینجانب است، به همین دلیل، دست نیاز به‌سوی همه صاحب‌نظرها، متخصصین و تجربه‌مندان برنامه‌ریزی و توسعه کشور دراز می‌شود، تا برای رفع کاستی‌ها و نقایص احتمالی توشه‌ای از خرمن دانش و تجربه عزیزان نصیب اینجانب شود.

فرهاد دژپسند

دانشیار اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

دی‌ماه ۱۴۰۲

www.ketab.ir

۱۳	مقدمه
----	-------

بخش اول: شروع برنامه ریزی در ایران

۲۵	مقدمه _ روند برنامه ریزی در ایران
	فصل اول: برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷ - ۱۳۳۴)
۲۹	مقدمه
۲۹	هدف های برنامه
۳۰	عملکرد برنامه
۳۱	برنامه های مصدق برای عبور از بحران
۳۵	تأمین ارز

فصل دوم: برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴ - ۱۳۴۱)

۳۷	مقدمه
۳۹	هدف های برنامه دوم
۴۰	عملکرد برنامه دوم عمرانی

فصل سوم: برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۲ - ۱۳۴۶)

۴۳	مقدمه
۴۴	کاربرد ریاضی در برنامه سوم عمرانی
۴۴	هدف های برنامه سوم عمرانی
۴۵	آمایش سرزمین در برنامه سوم عمرانی
۴۵	عملکرد برنامه سوم عمرانی
۴۸	رشد اقتصادی
۴۸	انقلاب سفید
۵۰	ارزیابی اجمالی اصلاحات ارضی

فصل چهارم: برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱)

۵۹	مقدمه
۵۹	هدف های برنامه
۶۰	مروری بر برنامه چهارم عمرانی
۶۱	آمایش سرزمین در برنامه چهارم عمرانی
۶۲	عملکرد برنامه

۶۲	قانون برنامه و بودجه
۶۲	تغییر در رابطه دولت-بازار
۶۳	توسعه صنایع سرمایه‌بر و بزرگ مقیاس
۶۳	میزان موفقیت برنامه

فصل پنجم: برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶)

۶۵	مقدمه
۶۵	اهداف برنامه
۶۷	آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برنامه پنجم عمرانی
۷۰	عملکرد برنامه
۷۱	اصلاح برنامه
۷۲	رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری
۷۴	بیماری هلندی

فصل ششم: برنامه عمرانی ششم

۸۲	جمع‌بندی بخش اول
----	------------------

بخش دوم: برنامه‌های توسعه تا قبل از ابلagh چشم‌انداز

۸۵	مقدمه
----	-------

فصل هفتم: بررسی تحولات برنامه‌ریزی در دهه اول نظام جمهوری اسلامی

۸۷	مقدمه
۸۸	برنامه‌های تدوین شده در دهه اول
۸۸	برنامه‌هایی که در سطح دولت باقی ماند
۹۲	آمایش سرزمین در دهه اول نظام جمهوری اسلامی ایران
۹۴	تحولات برخی از متغیرهای اقتصادی در دهه اول
۹۹	تولید ناخالص داخلی (GDP)
۱۰۰	بازار کار
۱۰۱	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی
۱۰۳	سیاست‌های پولی و متغیرهای پولی و اعتباری
۱۰۶	افزایش نقش دولت
۱۰۷	شاخص‌های رفاهی

فصل هشتم: برنامه اول توسعه (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸)

۱۱۱	مقدمه
-----	-------

۱۱۲	هدف‌های برنامه
۱۱۳	خط مشی‌ها
۱۱۳	مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های اقتصادی برنامه اول توسعه
۱۱۷	آمایش سرزمین در برنامه اول توسعه
۱۱۹	عملکرد برنامه
۱۲۲	سیاست‌های تعدیل اقتصادی

فصل نهم: برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴)

۱۳۱	مقدمه
۱۳۱	اهم مسائل اقتصادی در آستانه تهیه برنامه دوم
۱۳۳	هدف‌های برنامه توسعه
۱۳۴	عناصر اصلی برای سیاست ثبات اقتصادی در لایحه برنامه دوم توسعه
۱۳۵	اجرای برنامه
۱۳۵	اجرای بسته‌های کنترلی
۱۴۲	برنامه اقتصاد بدون اتکا به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام و گاز طبیعی
۱۴۴	برنامه حیات طویه یا برنامه ایران ۱۴۰۰
۱۴۴	طرح ساماندهی اقتصادی

فصل دهم: برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹ - ۱۳۸۳)

۱۴۹	مقدمه
۱۵۱	کاربرد مدل کلان سنجی در تعیین هدف‌های کمی
۱۵۱	موضوعات و مؤلفه‌های اصلی برنامه سوم توسعه
۱۵۲	آمایش سرزمین در دوره برنامه سوم توسعه
۱۵۶	بررسی عملکرد برنامه سوم توسعه
۱۵۷	عملکرد حوزه اقتصادی
۱۵۸	خصوصی‌سازی در برنامه سوم توسعه
۱۶۰	اصلاح نظام ارزی، رشد نقدینگی و تورم در برنامه سوم توسعه
۱۶۱	اصلاح نظام ارزی
۱۶۳	نقدینگی
۱۶۳	تورم
۱۶۶	صادرات غیرنفتی در برنامه سوم توسعه
۱۶۹	اشتغال و بیکاری در برنامه سوم توسعه

۱۷۰	طرح ضربتی اشتغال
۱۷۲	طرح توسعه کاربرد فناوری اطلاعات (تکفا)
۱۷۶	اصلاح مقررات انحصارات در فعالیتهای اقتصادی
۱۷۶	اصلاح ساختار سیاستهای مالی و بودجهای دولت
۱۷۸	اصلاح ساختار سازمانی دولت و دستگاههای اجرایی و کوچکسازی دولت
	تشکیل حساب ذخیره ارزی، حفظ امنیت سرمایه‌گذاری و ارج نهادن به سازندگی و کارآفرینی و
۱۷۸	حفظ حرمت دارایی‌ها

بخش سوم: برنامه‌های توسعه پس از ابلاغ چشم‌انداز

۱۸۳	مقدمه
-----	-------

فصل یازدهم: برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۸۴)

۱۹۱	مقدمه
۱۹۴	هدف‌های برنامه چهارم
۱۹۵	سطح برنامه
۱۹۷	آمایش سرزمین در برنامه چهارم توسعه
۱۹۷	عملکرد برنامه چهارم توسعه
۱۹۸	تحولات مهم دارای ماهیت برنامه‌ای
۱۹۹	سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۰۰	برنامه تحول اقتصادی
۲۰۳	سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی
۲۰۵	صادرات غیرنفتی
۲۰۸	اشتغال و بیکاری
۲۱۰	طرح بنگاه‌های کوچک و زودبازده و کار آفرین
۲۱۲	فضای کسب‌وکار و رقابت‌پذیری
۲۱۴	تورم
۲۲۲	تغییر روش بودجه‌ریزی

فصل دوازدهم: برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

۲۲۵	مقدمه
۲۲۶	انتقادات به لایحه برنامه پنجم توسعه
۲۳۰	آمایش سرزمین در دوره برنامه پنجم توسعه
۲۳۱	اجرای برنامه

۲۳۱	تحریم‌های سال ۱۳۹۱
۲۳۳	ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
۲۳۹	رشد اقتصادی کشور در برنامه پنجم توسعه
۲۴۴	نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی
۲۴۷	فضای کسب و کار
۲۵۲	بهره‌وری
۲۵۲	تجارت خارجی
۲۵۵	اشتغال و بیکاری
۲۶۰	کنترل تورم
۲۶۵	بودجه عمومی دولت
۲۶۸	واگذاری شرکت‌های دولتی
۲۶۹	بازار سرمایه
۲۷۴	نتیجه‌گیری

فصل سیزدهم: برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶)

۲۷۷	مقدمه
۲۷۸	شرایط اقتصادی سال پایه
۲۸۲	ضرورت تصویب برنامه‌های توسعه توسط قانون‌گذار
۲۸۵	ساختار برنامه‌های قبلی
۲۸۶	تبدیل شدن برنامه‌های توسعه به مجموعه احکام
۲۸۷	اقداماتی پیشینی دولت قبل از شروع تدوین برنامه ششم توسعه
۲۸۸	ویژگی‌های لایحه برنامه ششم توسعه
۲۹۲	ایجاد سازگاری بین فرابخش‌ها و بخش‌ها
۲۹۲	تغییرهای اعمال شده در دولت
۲۹۴	تغییرهای اعمال شده در مجلس شورای اسلامی
۳۰۴	تهیه اسناد برنامه ششم توسعه براساس اصول آمایش سرزمین
۳۰۵	تغییر برنامه جامع به برنامه‌ای با نگاه ویژه به موضوعات خاص
۳۰۷	الزامات تحقق هدف‌ها
۳۰۸	عملکرد برنامه ششم توسعه
۳۰۸	تحریم‌های ظالمانه
۳۱۰	ویروس کرونا

۳۱۵	رشد اقتصادی
۳۱۹	سرمایه گذاری
۳۲۱	بهبود محیط کسب و کار
۳۲۶	نظام تأمین مالی مناسب
۳۳۱	بازار سرمایه
۳۴۴	نظام بانکی
۳۵۰	تأمین مالی از محل منابع حاصل از صدور نفت خام و گاز، و صندوق توسعه ملی
۳۵۳	تورم
۳۵۷	تجارت خارجی
۳۶۴	بودجه دولت
۳۷۴	اشتغال و بیکاری
۳۸۱	آخرین مرحله یا بلوغ تهیه سند آمایش سرزمین
۳۸۴	نتیجه گیری

بخش چهارم: چالش ها، مشکلات و موانع اجرایی در حوزه برنامه ریزی در کشور و راهکارهای بهبود عملکرد برنامه ریزی در کشور

۳۸۷	مقدمه
-----	-------

فصل چهاردهم: عوامل اصلی ناکامی ها در برنامه ریزی ایران

۳۹۱	نامناسب بودن برنامه ها
۴۰۱	وجود ناهماهنگی و گسیختگی در نظام تهیه، تصویب، اجرا و نظارت
۴۰۲	عدم توجه به توان اجرایی نظام مدیریتی کشور
۴۰۳	فقدان نظام جامع و فراگیر نظارت بر اجرای برنامه های توسعه
۴۰۵	نبود آمار و اطلاعات کافی، با کیفیت و فراگیر
۴۰۵	وجود ارزش های فرهنگی منفی در مورد برنامه محوری

فصل پانزدهم: پیشنهادهایی برای بهبود برنامه ریزی در ایران

۴۰۷	ضرورت تدوام برنامه ریزی در ایران
۴۰۹	ویژگی های یک برنامه مطلوب
۴۱۲	نوع و سطح پوشش برنامه ها
۴۱۴	میزان الزام آوری برنامه ها
۴۱۴	ضرورت تعیین مرجع عالی واحد ارکان برنامه ریزی
۴۱۵	ضرورت مبنا قرار گرفتن سند آمایش سرزمین در همه ارکان برنامه ریزی و بودجه ریزی

- ۴۱۶----- ضرورت برقراری رابطه سلسله مراتبی بین سطوح برنامه‌ها
- ۴۲۰----- تمهید الزامات تحقق هدف‌ها و مأموریت‌های برنامه‌ها
- ۴۲۱----- رابطه سلسله مراتبی بین برنامه با بودجه
- ۴۲۲----- فراگیر کردن مشارکت در تدوین برنامه
- ۴۲۲----- نظارت جامع و فراگیر

یادداشت‌ها

منابع

- ۴۸۳----- منابع داخلی
- ۴۸۸----- منابع خارجی

جدول ۱۰: مقایسه نرخ رشد اقتصادی براساس آمار بانک مرکزی (در پایه‌های مختلف) و مرکز آمار ایران (دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۰)	۱۷
جدول ۲۰: مقایسه نرخ رشد تشکیل سرمایه براساس آمار بانک مرکزی (در پایه‌های مختلف) و مرکز آمار ایران (دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۰)	۱۸
جدول ۷: مقدار و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶، در مدت ۸ سال جنگ تحمیلی - میلیارد ریال	۹۹
جدول ۲۷: نرخ تورم در سال‌های جنگ - براساس شاخص قیمت مصرف‌کننده	۱۰۴
جدول ۱۱: رتبه ایران بر اساس شاخص EDB طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹	۲۱۴
جدول ۱۲: روند تحول رتبه ایران در شاخص بین‌المللی کسب‌وکار بانک جهانی	۲۴۹
جدول ۱۲: سنجش عملکرد ایران در زیرشاخص‌های شاخص بین‌المللی کسب‌وکار بانک جهانی	۲۵۱
جدول ۱۲: نرخ بیکاری دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۴	۲۵۹
جدول ۱۲: شاخص‌های کلیدی در بازار بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴	۲۷۱
جدول ۱۳: تعداد مواد، تبصره و احکام قانونی مندرج در قوانین برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب	۲۸۷
جدول ۱۳: اهداف کمی راهبرد امنیت غذایی، سلامت و غنی‌سازی محصولات کشاورزی (بخش زراعت)	۲۹۸
جدول ۱۳: اهداف کمی راهبرد امنیت غذایی، سلامت و غنی‌سازی محصولات کشاورزی (باغبانی، دام، طیور و آبزیان)	۲۹۹
جدول ۱۳: اثر تحریم و کرونا بر سرمایه‌گذاری خارجی	۳۳۰
جدول ۱۳: عملکرد انتشار و تسویه سالانه اوراق بهادار اسلامی با تضمین دولت (میلیارد ریال)	۳۴۱
جدول ۱۳: میزان تأمین مالی از طریق بازار سرمایه (واحد میلیارد ریال)	۳۴۳
جدول ۱۳-۷: تسهیلات پرداختی بانک‌ها به تفکیک بخش‌های اقتصادی طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ هزار میلیارد ریال درصد	۳۴۶
جدول ۱۳: تحول شاخص‌های بودجه	۳۷۱
جدول ۱۳: رشد سالانه اشتغال بخش‌های مختلف	۳۷۹
جدول ۱۳: تصویری از شاخص‌های کلیدی بازار کار براساس میانگین چهار فصل سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۷	۳۸۰

- نمودار ۵_۱: رشد تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت (دوره ۱۳۵۲_۱۳۵۶) ----- ۷۳
- نمودار ۵_۲: رشد سرمایه‌گذاری (دوره ۱۳۵۲_۱۳۵۶) ----- ۷۴
- نمودار ۷_۱: متوسط تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در ادوار مختلف - برحسب میلیارد ریال (به قیمت ثابت ۱۳۷۶) ----- ۱۰۱
- نمودار ۷_۲: روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی - میلیارد ریال (به قیمت ثابت ۱۳۷۶) ۱۰۳
- نمودار ۷_۳: نرخ تورم در سال‌های جنگ ----- ۱۰۵
- نمودار ۸_۱: رشد تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت (دوره ۱۳۶۸_۱۳۷۲) ----- ۱۱۹
- نمودار ۸_۲: نرخ تورم (دوره ۱۳۶۸_۱۳۷۴) ----- ۱۲۸
- نمودار ۸_۳: رشد نقدینگی و رشد نرخ ارز (دوره ۱۳۶۸_۱۳۷۴) ----- ۱۲۹
- نمودار ۹_۱: نرخ تورم (دوره ۱۳۷۴_۱۳۷۸) ----- ۱۳۹
- نمودار ۹_۲: رشد تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت (دوره ۱۳۷۴_۱۳۷۸) ----- ۱۴۷
- نمودار ۱۰_۱: رشد نرخ ارز (دوره ۱۳۷۹_۱۳۸۳) ----- ۱۶۲
- نمودار ۱۰_۲: رشد نقدینگی (دوره ۱۳۷۹_۱۳۸۳) ----- ۱۶۳
- نمودار ۱۰_۳: نرخ تورم (دوره ۱۳۷۹_۱۳۸۳) ----- ۱۶۵
- نمودار ۱۰_۴: صادرات غیرنفتی (دوره ۱۳۷۹_۱۳۸۳) ----- ۱۶۸
- نمودار ۱۰_۵: رشد تولید ناخالص داخلی (دوره ۱۳۷۹_۱۳۸۳) ----- ۱۸۱
- نمودار ۱۰_۶: رشد سرمایه‌گذاری (دوره ۱۳۷۹_۱۳۸۳) ----- ۱۸۲
- نمودار ۱۰_۳_۱: رشد فصلی تولید ناخالص داخلی (دوره ۱۳۸۴_۱۳۹۹) ----- ۱۸۶
- نمودار ۱۰_۳_۲: رشد فصلی سرمایه‌گذاری (دوره ۱۳۸۴_۱۳۹۹) ----- ۱۸۶
- نمودار ۱۰_۳_۳: رشد فصلی پایه پولی (دوره ۱۳۸۴_۱۴۰۰) ----- ۱۸۷
- نمودار ۱۰_۳_۴: رشد فصلی نقدینگی (دوره ۱۳۸۴_۱۴۰۰) ----- ۱۸۷
- نمودار ۱۰_۳_۵: نرخ تورم ماهانه (دوره ۱۳۸۴_۱۴۰۰) ----- ۱۸۸
- نمودار ۱۰_۳_۶: نرخ بیکاری فصلی (دوره ۱۳۸۴_۱۴۰۰) ----- ۱۸۸
- نمودار ۱۰_۳_۷: نرخ مشارکت فصلی (دوره ۱۳۸۴_۱۴۰۰) ----- ۱۸۹
- نمودار ۱۱_۱: رشد سرمایه‌گذاری (دوره ۱۳۸۴_۱۳۸۹) ----- ۲۰۴
- نمودار ۱۱_۲: رشد تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت (دوره ۱۳۸۴_۱۳۸۸) ----- ۲۰۵
- نمودار ۱۱_۳: رشد صادرات غیرنفتی (دوره ۱۳۸۴_۱۳۸۹) ----- ۲۰۷
- نمودار ۱۱_۴: سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات (دوره ۱۳۸۴_۱۳۸۹) ----- ۲۰۸
- نمودار ۱۱_۵: رشد نقدینگی (دوره ۱۳۸۴_۱۳۸۹) ----- ۲۱۶

نمودار ۱۱_۶: نرخ تورم (دوره ۱۳۸۴_۱۳۸۸)-----	۲۲۲
نمودار ۱۲_۱: رشد تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت (دوره ۱۳۹۰_۱۳۹۵)-----	۲۴۳
نمودار ۱۲_۲: رشد فصلی تولید ناخالص داخلی (دوره ۱۳۹۰_۱۳۹۵)-----	۲۴۳
نمودار ۱۲_۳: رشد سرمایه‌گذاری (دوره ۱۳۹۰_۱۳۹۵)-----	۲۴۶
نمودار ۱۲_۴: صادرات غیرنفتی و کل واردات کالا (دوره ۱۳۹۰_۱۳۹۵)-----	۲۵۴
نمودار ۱۲_۵: نرخ بیکاری و نرخ مشارکت (دوره ۱۳۹۰_۱۳۹۴)-----	۲۶۰
نمودار ۱۲_۶: نرخ تورم (دوره ۱۳۹۱_۱۳۹۵)-----	۲۶۲
نمودار ۱۲_۷: رشد پایه پولی و نقدینگی (دوره ۱۳۹۰_۱۳۹۵)-----	۲۶۴
نمودار ۱۳_۱: رشد فصلی تولید ناخالص داخلی (دوره ۱۳۹۶_۱۴۰۰)-----	۳۱۹
نمودار ۱۳_۲: رشد فصلی سرمایه‌گذاری (دوره ۱۳۹۶_۱۴۰۰)-----	۳۲۰
نمودار ۱۳_۳: عملکرد انتشار سالانه اوراق بهادار اسلامی با تضمین دولت به تفکیک نقدی و غیرنقدی (میلیارد ریال)-----	۳۴۰
نمودار ۱۳_۴: عملکرد تسویه اوراق بهادار دولتی در سنوات گذشته به تفکیک اصل و سود (میلیارد ریال)-----	۳۴۰
نمودار ۱۳_۵: نرخ تورم ماهانه (دوره ۱۳۹۶_۱۴۰۰)-----	۳۵۵
نمودار ۱۳_۶: رشد فصلی نقدینگی (دوره ۱۳۹۶_۱۴۰۰)-----	۳۵۶
نمودار ۱۳_۷: رشد فصلی نرخ ارز (دوره ۱۳۹۶_۱۴۰۰)-----	۳۵۷
نمودار ۱۳_۸: صادرات غیرنفتی و کل واردات (دوره ۱۳۹۶_۱۴۰۰)-----	۳۵۹
نمودار ۱۳_۹: رشد صادرات غیرنفتی و واردات کالا (دوره ۱۳۹۶_۱۴۰۰)-----	۳۵۹
نمودار ۱۳_۱۰: مقایسه واردات سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به لحاظ وزن (هزار تن)-----	۳۶۲
نمودار ۱۳_۱۱: مقایسه صادرات غیرنفتی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به لحاظ وزن (هزار تن)-----	۳۶۲
نمودار ۱۳_۱۲: مقایسه واردات سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به لحاظ ارزش (میلیون دلار)-----	۳۶۳
نمودار ۱۳_۱۳: مقایسه صادرات غیرنفتی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به لحاظ ارزش (میلیون دلار)-----	۳۶۳

مقدمه

دغدغه توسعه ایران عزیز سال‌ها است که در مقاطعی از تاریخ کشور مورد توجه و پیگیری برخی دل‌سوزان کشور در موقعیت‌ها، و مناصب متفاوت، بود. اگر بتوان از دوره صفویه، به‌ویژه پروژه‌هایی که با درخشش شیخ بهایی در حوزه آثار و سبک‌های معماری، به اجرا درآمده، و امروز، از افتخارات تاریخی کشور می‌باشد، گذشت. می‌توان از میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی و میرزا تقی‌خان امیرکبیر، که از جمله شخصیت‌هایی هستند که برای به نتیجه‌رساندن دغدغه توسعه‌ای خود تلاش شایان توجهی به عمل آوردند، و آثار قابل رجوعی را به‌جا گذاشتند، نام برد. به‌ویژه دوره کوتاه صدرات امیرکبیر که پس از دهه‌ها، هنوز مورد توجه تلاش‌گران توسعه کشور قرار دارد. بدیهی است در آن دوره، که کشور در دوره اقتصاد شبانی قرار داشت، امکان طی طریق مسیر پرتلاطم توسعه، و دستیابی به نمادهای توسعه فراهم نبود، ولی تلاش‌های نرم‌افزاری و برنامه‌ای، و به‌جا ماندن رویکردهای راهبردی آن مرحوم در زمینه ایجاد و توسعه نهادهای آموزشی (مانند دارالفنون)، و انتقال دانش به کشور، بهره‌مندی از امکانات کشورهای پیشرو برای تسریع روند استقرار و توسعه واحدهای صنعتی در کشور و بومی‌سازی آن‌ها، تغییر رویه‌های دیوانی و برقراری انضباط مالی در حوزه حکمرانی، و واسپاری نظام مدیریتی کشور به شایسته‌ها، سوءگیری قطع ریشه‌های وابستگی به کشورهای استعماری و قطع جریان هدررفت منابع توسط ویژه‌خواران دیوان سلطنتی، و... از جمله مواردی بود که همواره مورد اشاره بوده و هست، و چه‌بسا بخشی از موارد مذکور برای عملیاتی کردن برنامه شوم قتل آن مدیر خدوم و خوش‌فکر توسعه‌گرا، با برنامه‌ریزی خارجی و اقدام طمع‌ورزان دیوانی، کافی بوده باشد. افسوس که با شهادت او، مسیر انحطاط در اقتصاد کشور آغاز شد و بعد از مدتی کشور به وضعیتی رسید که فعالیت سرمایه‌داران ایرانی، به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های صنعتی با مشکلات فراوانی مواجه شد، به‌گونه‌ای که اقتصاد ایران در قالب یک تقسیم‌کار بین‌المللی عهده‌دار تأمین مواد اولیه صنایع کشورهای صاحب‌امتیاز و بازار مصرف تولیدات آن کشورها شده بود، و با افزایش سهم کالاهای خارجی در بازار کشور، موجبات فروپاشی بازارهای محلی، و وارد شدن آسیب جدی به صنایع سنتی داخلی فراهم شد، و عملاً اقتصاد ضعیف و نامتعادلی شکل گرفته بود.

پس از انقراض دوره قاجار و تأسیس سلسله پهلوی، تلاش‌هایی برای نوسازی اقتصاد صورت گرفت، به‌ویژه اینکه رضاشاه بشدت دنبال ایجاد یک نام و نشانی برای سلسله تازه

تأسیس بود، ولی عدم برخورداری اقدام‌های آن دوره، از هماهنگی و بنیه علمی و کارشناسی قوی و برنامه‌ریزی‌شده، با نگاه دور نزا کردن توسعه کشور، عملاً تحولی در ساختار اقتصاد کشور برای ورود به دوره اقتصاد صنعتی صورت نگرفت، بدین رو، پس از سپری شدن بیش از یک دهه از دوره پهلوی اول، و بی‌ثمر بودن اقدام‌های به اجرا درآمده توسط رضاشاه در کشور مانند، تأسیس دولت مدرن و ارتش مرکزی، تأسیس بانک‌های ایرانی مانند بانک قشون (سپه فعلی)، و بانک ملی، تأسیس آموزش رسمی به‌ویژه آموزش عالی، توسعه راه‌های کشور، تمهید زیرساخت‌های حقوقی مانند قانون تجارت، قانون مدنی، و مواردی مانند آن، موجب شد طلایه‌داری دیگری پا به عرصه بگذارد، این بار ابتهاج، به‌عنوان معمار برنامه‌ریزی کشور، با جدیت تمام درصدد برآمد برای تخصیص بهینه منابع مالی و نتیجه‌بخش کردن مصارف منابع مالی کشور در طرح‌های عمرانی، رضاشاه را ترغیب کند تا یکی از بهترین تصمیم‌های نظام حکمرانی کشور اتخاذ شود.

در سال ۱۳۱۶، پیشنهادی مبنی بر مبتنی‌کردن تصمیم‌های مهم کشور به انجام مطالعه و اولویت‌بندی طرح‌ها، و پروژه‌ها در یک کمیسیون یا شورایی به رضاشاه تقدیم شد، که بدون هیچ‌گونه مقاومتی، موردقبول ایشان قرار گرفت، اما ابتهاج با شناختی که از رضاشاه داشت، از این تصمیم ایشان متعجب شده بود، و بعدها گفته بود که چون همه کارهای رضاشاه خلاف اصول برنامه‌ریزی است، لذا کسانی که گفتند رضاشاه با پیشنهاد موافقت کرده است، دچار سوءتفاهم شده‌اند. برخلاف تصور اولیه ابتهاج، در سال اول برگزاری جلسات شورا و کمیته‌های برنامه‌ریزی خیلی خوب پیش می‌رفت، اما دیری نگذشت که باور ایشان تحقق عینی پیدا کرد و رضاشاه در اواخر سال ۱۳۱۷، فعالیت‌های شورا و کمیته‌ها را متوقف کرد، و ادامه کار را به زمان نامعلومی موکول کرد. این تصمیم رضاشاه نمی‌توانست پایان غم‌انگیز یک تصمیم تحول‌بخش و آینده‌ساز در کشور باشد، چنانچه، ابتهاج همچنان به فعالیت‌های خود در زمینه ایجاد ساختار مناسب برای برنامه‌ریزی و شروع تدوین برنامه ادامه داد، تا اینکه مجدداً دولت فرمان تشکیل شورای اقتصاد را، به ریاست نخست‌وزیر، تصویب کرد، و به دنبال آن، در مرداد همان سال شورای برنامه‌ریزی تشکیل شد، و پس از یک وقفه چندساله، مجدداً فعالیت‌های برنامه‌ریزی شروع شده بود تا سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) آغاز اجرای اولین برنامه عمرانی در کشور نام گیرد.^۱ با پیگیری‌های مجدانه ابتهاج، ایران توانست در زمینه بهره‌گیری از

^۱ فرانسیس بوستاک، جفری جونز: برنامه ریزی و قدرت در ایران، ترجمه مهدی پازوکی و علی حبیبی، کویر، ۱۳۹۵، ص

برنامه‌ریزی حرفه‌ای در تسریع رشد و توسعه کشور، از کشورهای مانند هندوستان ۱۹۵۱، چین ۱۹۵۳، مالزی ۱۹۵۶، کره جنوبی ۱۹۶۲، پیشی بگیرد، اگرچه برخی از صاحب‌نظرهای کشور بر این اعتقادند که شروع برنامه‌ریزی در ایران مطابق خواسته و تمایل بیگانگان بود، ولی با تعمق در فعالیت‌ها و پیگیری‌های به‌عمل‌آمده در قبولاندن اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی در کشور، طی سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۷، به‌وضوح نشان‌دهنده نقش برجسته ابتهاج و تلاش‌های مشرف نفیسی در به حرکت درآوردن ماشین برنامه‌ریزی در کشور است.^۲ نکته مهم این است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اهتمام و اراده توسعه در کشور، جریان فراگیر پیدا کرد، و علاوه بر رهبران، در جامعه نیز برنامه‌ریزی برای تسریع روند توسعه در کشور به شکل مطالبه عمومی درآمده است.

از سال ۱۳۱۶ که برنامه‌ریزی در ایران آغاز شد تاکنون، برنامه‌های متعددی، برای تسریع روند رشد و توسعه کشور، طراحی، تدوین و به اجرا درآمده است. یعنی برنامه‌ریزی در کشور همچنان ادامه دارد. از آنجاکه ایران کشوری در حال توسعه، و با دولتی بزرگ و پر مداخله است، ضرورت وجود برنامه همچنان حس می‌شود، به همین دلیل، ماشین برنامه‌ریزی کشور نیز در حال حرکت است. بنابراین برای استفاده بهتر از تجربه‌های گذشته در تدوین برنامه‌های آینده، همواره بررسی و ارزیابی عملکرد برنامه‌ها و امر برنامه‌ریزی در ایران جریان دارد. چنانچه بررسی تحولات برنامه‌ریزی در ایران به کرات توسط صاحب‌نظرهای متفاوت صورت گرفته است، به‌ویژه در زمینه برنامه‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

برای پرهیز از انجام کار تکراری، در این کتاب سعی می‌شود، ضمن استفاده از تجربه‌های قبلی، از زاویه دیگری به تحلیل و ارزیابی تحولات برنامه‌ریزی در ایران پرداخته شود. برخی از دلایل و نکاتی که در انتخاب رویکرد متفاوت مؤثر بودند را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد: (۱) منحصر کردن ارزیابی عملکرد برنامه‌ها به مقایسه‌های آماری به دلایل زیر نمی‌تواند به‌درستی گویای واقعیت‌ها باشد، اگرچه در ارزیابی برنامه‌ها نمی‌توان بدون آمار و اطلاعات، اقدامی درخور انجام داد.

برآوردهای آماری، منبعث از مدل‌ها و فروضی است که در فرایند تعریف مدل‌ها و برآورد آن‌ها تعریف می‌شوند، لذا باید تحلیل ارزیابی نیز به‌صورت جامع و همراه با ارزیابی تحقق

^۱ احمد آل یاسین، تاریخچه برنامه‌ریزی در ایران، سمر ۱۳۹۳، چاپ دوم، ص ۲۹

^۲ یادداشت اول

فروض تعریف شده، و تمهید الزامات، صورت گیرد. در غیر این صورت، تحلیل‌های ارائه شده با انحراف و تورش مواجه خواهد بود، به عنوان مثال، غالباً در مورد اولین برنامه عمرانی قبل از انقلاب، بیان می‌شود که عملکرد برنامه بسیار ضعیف بود، که گزاره درستی هم هست، ولی علت ضعیف بودن عملکرد، ربطی به ضعف عملکرد مدیریت دولت وقت، به خصوص، دولت مصدق ندارد، زیرا که عوامل اصلی عملکرد نامناسب برنامه عمرانی اول، به بی‌ثباتی‌های سیاسی آن زمان و نیز عدم تحقق منابع مالی برنامه (ناشی از فشارهای برخی از کشورهای متخاصم در موضوع ملی شدن نفت) مربوط می‌شود. یا اینکه وقتی متوسط رشد اقتصادی دوره برنامه ششم توسعه، با هدف برنامه (رشد ۸ درصدی) مقایسه می‌شود، و به دنبال آن قضاوت صورت می‌گیرد که عملکرد برنامه در این زمینه خیلی ضعیف بوده است، قطعاً نمی‌تواند این ارزیابی، چراغ راه سیاست‌گذاران برای تحلیل علل انحراف عملکرد با هدف تعیین شده، و اتخاذ تصمیم درست برای رفع علل عدم تحقق باشد، زیرا که در همان برنامه که هدفها تعیین شده است، در مواد عدیده‌ای مثل مواد ۴، ۵، و... الزامات تحقق آن‌ها بیان شده است، بدین رو ابتدا باید بررسی کرد که آیا الزاماتی که برای تحقق هدفها تعریف شدند، محقق شده‌اند یا نه؟ در صورتی که پاسخ سؤال منفی باشد، باز هم باید بررسی شود که آیا عدم تحقق الزامات، ناشی از وجود ضعف در مدیریت بوده است، یا ناشی از عوامل بیرونی و خارج از کنترل مدیریتی، مثل تحریم، بوده است؟ و در صورتی که الزامات محقق شده باشد، و نیز فروض مدل، برقرار باشد، در این حالت می‌توان، عدم تحقق هدفها را ناشی از مدیریت ارزیابی کرده و به اتخاذ راهکار و سیاست مناسب برای اصلاح انحرافها اقدام کرد. حال آنکه غالباً بدون انجام مرحله‌های بالا، راجع به عملکرد برنامه‌ها قضاوت می‌شود.

علاوه بر نکته‌های بالا، در برخی موارد برای تجربه‌آموزی از تاریخ تحولات اقتصادی، به تمرکز بیشتر بر بعضی مسائلی که در عدم موفقیت برخی برنامه‌ها تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشتند، صورت گرفت. تا امکان تکرار آن تجربه‌های تلخ کاهش یابد؛ مانند عدم تمهید الزامات موفقیت برنامه اصلاحات ارضی در دوره برنامه سوم عمرانی، و یا عدم توجه به تأکیدهای کارشناسی مدیران سازمان برنامه و بودجه در مورد اصلاح برنامه پنجم عمرانی در اجلاس رامسر، و یا طراحی و تدوین شتاب‌زده سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سال‌های میانی برنامه اول توسعه و عدم توجه به الزامات اجرای موفقیت‌آمیز آن سیاست‌ها، و یا تمرکز بیشتر بر آثار اعمال تحریم‌های ترکیبی تجاری-مالی در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، و موارد مشابه.

این نوع مواجهه با ارزیابی تحلیل رویدادهای اقتصادی در برنامه‌های میان‌مدت مختلف، موجب شد به اقتضای عناوین برنامه‌های موازی در دوره هر برنامه و یا رویدادهای خاصی که در هر دوره به وقوع پیوست، از عناوین مشابه در قسمت‌های مختلف استفاده نشود. بدیهی است وقوع این وضعیت ناشی از عدم انسجام مطالب نیست، بلکه برای پوشش عناوین متفاوت در برنامه‌های متفاوت، و تحلیل بهتر تحولات می‌باشد.

۲) اقتضای ارزیابی درست از میزان عدم تحقق هدف‌های هر برنامه، انجام مقایسه آماری درست، از نظر منبع آماری، و سال پایه آمارها است. بارها مشاهده شده است که بدون توجه به منبع آماری و سال پایه آمارها، به بهره‌برداری از آمارها اقدام می‌شود. به‌ویژه اینکه، اگر انگیزه‌های سیاسی هدف اصلی باشد، از این تفاوت‌ها حداکثر بهره‌برداری صورت می‌گیرد. در این زمینه به عملکرد برنامه ششم توسعه، به‌عنوان برنامه‌ای که عملکرد آن از قرابت ذهنی بیشتری برخوردار است، به‌عنوان مثال مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در برنامه ششم آمارهای مربوط به رشد اقتصادی، بر پایه سال ۹۰ و از منبع آماری بانک مرکزی استفاده شده است، حال با مرور آمارهای منتشره توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، و نیز در سال پایه‌های متفاوت به شرح زیر، تفاوت آمارهای تولیدی، و تأثیر آن در ارزیابی‌ها و قضاوت‌ها، را آشکار می‌سازد.

جدول ۱۰-۱: مقایسه نرخ رشد اقتصادی بر اساس آمار بانک مرکزی (در پایه‌های مختلف) و مرکز آمار ایران (دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۰)

۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵		
--	۳/۶	-۶/۵	-۵/۴	۳/۷	۱۲/۵	سال پایه ۹۰ (درصد)	آمار بانک مرکزی
۴/۴	۴/۱	-۲/۹	-۳	۲/۳	۸/۷	سال پایه ۹۵ (درصد)	
۴/۳	۱	-۴/۲	-۴/۷	۴/۸	۱۴/۲	سال پایه ۹۰ (درصد)	آمار مرکز آمار

ملاحظه می‌شود که بین آمارها تفاوت‌های زیادی وجود دارد، و در هیچ‌یک از سال‌ها برای یک متغیر مشخص، آمار یکسانی وجود ندارد، به همین دلیل، نتیجه‌گیری‌ها هم متفاوت خواهد بود، و چه‌بسا استفاده از هر یک از آن‌ها، دارای پیام‌های متفاوت می‌باشد، به‌عنوان

مثال رشد اقتصادی سال ۱۳۹۵ که توسط بانک مرکزی با سال پایه‌های متفاوت، محاسبه شده است، حدود ۴۳/۷ درصد با هم تفاوت دارند، (یعنی رشد اقتصادی بر پایه ۹۰ حدود یک‌ونیم برابر رشد اقتصادی بر پایه ۹۵ است)، حال اگر آمار مرکز آمار ایران که بر پایه سال ۱۳۹۰ محاسبه شده است با آمار بانک مرکزی بر پایه سال ۹۰ مقایسه شود، ۱۳/۶ درصد و اگر با آمار سال پایه ۹۵ مقایسه شود حدود ۶۳/۲ درصد با هم اختلاف دارند. حال اگر همین مثال برای نرخ رشد تشکیل سرمایه تکرار شود، نتایج مشابهی بدست می‌آید.

جدول ۲-۰: مقایسه نرخ رشد تشکیل سرمایه بر اساس آمار بانک مرکزی (در پایه‌های مختلف) و مرکز آمار ایران (دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۰)

۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵		
--	۲/۵	-۵/۹	-۱۲/۳	۱/۴	-۳/۷	سال پایه ۹۰ (درصد)	آمار بانک مرکزی
.	۳/۳	-۶/۶	-۱۵/۸	-۰/۷	-۱/۸	سال پایه ۹۵ (درصد)	
۳/۹	۳/۷	-۱۷/۴	-۱۸	۱۹/۶		سال پایه ۹۰ (درصد)	آمار مرکز آمار

چنانچه ملاحظه می‌شود تفاوت‌های فاحش مانع از استفاده درست از این آمار و اطلاعات، برای ارزیابی صحیح از عملکرد برنامه‌ها است. نکته حائز اهمیت این است که گاهی اوقات برای همه سال‌های موردنظر آمار تولید نمی‌شود، به‌عنوان مثال با توجه به سال پایه آمار استفاده شده برای برنامه ششم توسعه (سال پایه ۱۳۹۰ بانک مرکزی)، ملاحظه می‌شود که برای سال پایانی برنامه (۱۴۰۰) آمار محاسباتی پایه سال ۱۳۹۰ وجود ندارد. حال اگر مقاصد سیاسی مدنظر نباشد، باید از هرگونه تحلیل و ارزیابی برای آن سال خودداری کرد، زیرا که آماری که بتواند از مبانی واحدی برخوردار باشد تا برای مقایسه استفاده شود، وجود ندارد. علاوه بر اینکه با مرور زمان، ارزش ارقام، موضوعیت خود را از دست می‌دهد، بدین معنی که با ارزش واحد پولی امروز، بیان کل منابع برنامه اول عمرانی به میزان ۲۱ میلیارد ریال، فاقد هرگونه اهمیت و جذابیت می‌باشد.